

اتاق‌های فکر و چالش‌های سیاست خارجی قدرت‌های نوظهور^۱

نویسندگان: جیمز جی. مکگان^۲ و الینا لازارو^۳

ترجمه: محمدسالم ناجی^۴

چکیده

در عصر جهانی‌شدن، مرزهای سیاست داخلی و خارجی در حال محو شدن است و دولت‌ها بدون در نظر داشت بازیگرانی هم‌چون سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای خیری و گروه‌های تروریستی نمی‌توانند به سیاست‌گذاری بپردازند. کارگزاران سیاست خارجی کشورها در راستای تصمیم‌گیری با انبوهی از اطلاعاتی روبه‌رو هستند که به کارگیری آن‌ها کاری دشوار است. اتاق‌های فکر در تمامی کشورها هرچند که به لحاظ گستره و امکانات متفاوت هستند؛ اما به لحاظ کارکردی، اهداف مشابه دارند که همانا جمع‌آوری اطلاعات کاربردی، تحلیل و تفسیر داده‌ها و طبقه‌بندی موضوعاتی هستند که می‌توانند رفتار دولت‌ها را تحت تأثیر قرار بدهند. اتاق‌های فکر معمولاً سه دسته هستند: بخشی از بروکراسی متداول دولت‌ها، بخش تحقیقاتی دانشگاه‌ها و بخش پژوهشی احزاب سیاسی. قدرت‌های در حال ظهور، و به‌طور مشخص کشورهای عضو بریکس، نظم سیاسی و اقتصادی جهان را متحول نموده‌اند و در این مطلب کوشش صورت گرفته است که نقش اتاق‌های فکر در سیاست‌گذاری‌های قدرت‌های در حال ظهور مورد بررسی قرار بگیرد.

کلیدواژه‌ها: اتاق فکر، سیاست خارجی، قدرت‌های در حال ظهور، تصمیم‌سازان.

۱. این مطلب فصل نخست از کتاب «اتاق‌های فکر، سیاست خارجی و قدرت‌های نوظهور» ویراسته جیمز جی. مکگان است که برای نخستین بار به فارسی ترجمه و نشر می‌شود. چکیده فوق نیز از مترجم است.

2. James G. McGann.

3. Elena Lazarou.

۴. نویسنده و پژوهشگر (msalimnaji@gmail.com)

[مقدمه]

ما در زمان آشفته‌ای زیست داریم و تنها چیزی که تداوم دارد، تغییر است. مسائل غیر قابل پیش‌بینی به واقعیت تبدیل می‌شوند و مرزهای سیاست‌های داخلی و بین‌المللی به‌طور روزافزون در حال کاهش است. مزایا و مخاطرات جهانی شدن وابستگی به طرز دیدمان در رابطه به فرایند تصمیم‌سازی و چینش بازیگران، برنامه و نتایج آن دارد. یک زمان سیاست خارجی به‌صورت انحصاری تحت کنترل دیپلمات‌ها، بروکرات‌ها و دولت‌ها بود؛ اما امروزه در شکل‌دهی سیاست خارجی، تصمیم‌سازان باید بازیگران متعدد بین‌المللی را مانند سازمان‌های خبری سی‌ان‌ان و الجزیره، سازمان‌های غیر حکومتی مانند کمپین بین‌المللی برای ممنوعیت ماین‌های زمینی، گروه بین‌المللی بحران، صلح سبز، نهادهای بین‌المللی پولی مانند دج^۱ بانک، گروه‌های تروریستی مانند القاعده و داعش، گروه‌های منطفقه‌ای مانند آسه آن و سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) را مدنظر بگیرند؛ بنابراین، تصمیم‌سازان برای این‌که بتوانند سیاست خارجی مؤثر را در پیش بگیرند، با چالش‌های پیچیده و بی‌سابقه روبه‌رو هستند. دسترسی به اطلاعات در سیاست خارجی قوی امر کلیدی محسوب می‌شود. در حوزه اطلاعات برخی چالش‌ها وجود دارد: غیر نظام‌مند بودن این داده‌ها، غیر قابل‌اعتماد بودن و یا این‌که اطلاعات و داده‌ها توسط کسانی که منافع‌شان ایجاب می‌نماید، پخش و نشر می‌شود. تصمیم‌سازان اکثراً با اطلاعات و داده‌هایی روبه‌رو هستند که غیر قابل استفاده می‌نماید. برخی ملت‌ها با فقدان اطلاعات روبه‌رو نیستند؛ بلکه با اطلاعاتی روبه‌رو می‌شوند که گسترده و متناقض هستند.

برخی از اطلاعات بسیار فنی‌اند و تصمیم‌سازان نمی‌توانند از این اطلاعات استفاده نمایند؛ در حالی‌که برخی از اطلاعات غیر کاربردی هستند. برخی از اطلاعات در حوزه کاری تصمیم‌سازان‌اند؛ اما گاهی حجم انبوه اطلاعات دیگر باعث ابهام در این معلومات می‌شود. مقامات حکومتی باید میان اطلاعاتی که از سوی نهادهای بین‌المللی، رسانه‌ها و برخی قضایا، به‌سوی آن‌ها هدایت می‌شوند، موازنه برقرار نمایند. بزرگ‌ترین چالش معاصر در حوزه اطلاعات این است که این داده‌ها نمی‌توانند به کسب قدرت منجر شوند؛ مگر این‌که به شکل درست، زمان دقیق و استفاده مناسب قرار بگیرند. حکومت‌ها اغلب بر این هستند که به‌صورت فوری اقدام نمایند؛ زیرا اقدامات نیروهای سیاسی و اجتماعی موجب خلق بحران می‌شود و باید آن را تحت

1. Deutsche.

کنترل بگیرند. بارها اتفاق افتاده است که حکومت‌ها بر اساس اطلاعات در دست داشته تصمیم می‌گیرند؛ اما همیشه به سیاست‌گذاری مبتنی بر اطلاعات دقیق منجر نمی‌شود. با توجه به این واقعیت، تصمیم‌سازان نیازمند اطلاعاتی است که به‌روز، قابل فهم، قابل اعتماد، قابل دسترس و در کل قابل استفاده باشند.

۱. [کارویژه‌های اتاق‌های فکر]

در این جا برخی از منابع ظرفیتی برای این اطلاعات وجود دارد؛ اما سیاست‌مداران و بروکرات‌ها در گوشه و کنار جهان به‌صورت روزافزون این مسئله را به گروه‌های تخصصی واگذار نموده‌اند تا نیازمندی‌های آن‌ها را در این حوزه مرفوع نمایند. پژوهش‌های سیاست‌گذاری عمومی و سازمان‌های تحلیلگر، که به‌صورت عام به اتاق‌های فکر معروف هستند، برای تصمیم‌سازان که به‌صورت سیری‌ناپذیر به اطلاعات و تحلیل‌های نظام‌مند نیاز دارند، این اطلاعات را فراهم می‌نمایند. اتاق‌های فکر سازمان‌های مستقل، غیر انتفاعی و غیر جناحی هستند. آن‌ها خلق‌کننده تحلیل‌های پژوهشی هستند که در مورد موضوعات داخلی و بین‌المللی به شما مشورت می‌دهند. از منظر «کامپبیل و پیدرسون»^۱ اتاق‌های فکر به‌مثابه رژیم‌هایی مبتنی بر دانش هستند که با چالش‌ها، ابهامات و عدم قطعیت در تصمیم‌سازی‌های پیچیده مقابله می‌نمایند. از دیدگاه این دو نویسنده، اتاق‌های فکر به حیث اسباب جهت‌دهنده عمل می‌نمایند و این جهت‌دهی جدلی شامل درجات مختلف رقابت، گفت‌وگوها، تراضی قدرت‌های دخیل در تفسیر چالش‌ها و راه‌حل‌هایی هستند که برای آن‌ها ارائه می‌شوند.^۲ اتاق‌های فکر، تصمیم‌سازان و عامه مردم را قادر می‌سازند که درباره سیاست‌گذاری عمومی تصمیماتی مبتنی بر اطلاعات بگیرند و این اطلاعات از طریق استدلال‌های اندیشمندان، مناظره و جلسات عمومی و منابع فراهم می‌شوند. این‌ها از ناحیه حکومت‌ها و گروه‌های ذی‌نفع اجتماعی خودمختار هستند. در نتیجه، تصمیم‌سازی در حوزه سیاست‌گذاری عمومی به‌صورت روزافزون توسط تحلیل‌ها، ایده‌ها و توصیه‌ها و پیشنهاد‌های نهادهای خاص ملی، مانند اتاق‌های فکر، شکل داده می‌شوند. این رژیم‌های دانشی، شکل‌دهنده نظام سیاسی و اقتصادی کشور هستند. هرچند که در هنگام تعریف اتاق‌های فکر مستقل و غیر

1. Campbell & Pederson,

2. John L. Campbell and Ove K. Pederson, "Chapter 1: Knowledge Regimes and the National Origins of Policy Ideas, January 2013, 6.

جناحی تعریف می‌شوند؛ اما سازمان‌های پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی با توجه به زمینه‌های ملی و واقعیت‌های سیاسی، دارای ویژگی‌های متنوع هستند. در جهان در حال توسعه نبود یا محدودیت چارچوب حقوقی، سیاسی و مالی باعث خلق محدودیت‌های جدی در راستای آزادی، استقلال و خودمختاری نخبگان و اتاق‌های فکر در این منطقه از جهان می‌شود. علاوه بر آن، در این ناحیه از جهان، محدودیت آزادی اقتصادی ناشی از عدم کمک نهادهای خیر و خصوصی به اتاق‌های فکر هست و این موضوع باعث می‌شود که این نهادها به حکومت یا کمک‌کنندگان خارجی متکی شوند و در نتیجه، این مسئله باعث سلب آزادی و استقلال نخبگان در اتاق‌های فکر می‌شود. در طرف انگلیسی - آمریکایی، تمایلاتی مبنی بر عدول از استقلالیت، غیر جناحی بودن پژوهش و غیر حکومتی بودن اتاق‌های فکر وجود داشته است و این موضوع سبب رهبری ایدئولوژیکی اتاق‌های فکر میان ۱۹۷۰ الی ۱۹۹۶ شده است و این امر نشانگر به خطر افتادن اتاق‌های فکر، نهادهایی که به صورت سنتی پژوهش‌های غیر جناحی و موازنه‌گر انجام می‌دادند، شده است و در نتیجه، این موضوع باعث قطبی شدن اتاق‌های فکر و از دست رفتن استقلال و اعتبار نخبگان شده است. عوامل متعددی مانند سیاست‌های حزبی، گسترش اتاق‌های فکری تخصصی، رشد گروه‌های طرفدار لیبرال‌ها و محافظه‌کاران، نفوذ شبکه‌های خبری فعال در ۲۴ ساعت و هفت روز هفته، باعث این دگرگونی‌ها شده است. در نتیجه، زمانی که کاربست جهانی اتاق‌های فکر را تحلیل می‌نماییم، سبک تعدیل‌شده تعریف «پائول دیکسون»^۱ در ۱۹۷۲ بیش‌تر تداعی می‌کند. «از چشم‌انداز جهانی اتاق‌های فکر می‌تواند انتفاعی یا غیر انتفاعی باشند، مورد حمایت حکومت یا بخشی از حکومت باشند یا کاملاً آزاد از حکومت باشند و یا این‌که مورد حمایت برخی از نهادها مانند شرکت‌ها و دانشگاه‌ها باشند و در نهایت این‌ها باید در عمل آزادی نسبی علمی داشته باشند.» خاستگاه فرهنگی اتاق‌های فکر در ایالات متحده به زمان توسعه همکاری نوع دوستانه، تفکیک اساسی میان قوه مقننه و اجرائیه حکومت، احزاب سیاسی ضعیف، تعهد عمومی و جمعی در مورد استقلالیت و باز بودن فضا، اعتماد نهادهای عمومی و مقامات منتخب آن به بخش خصوصی در مورد دخالت و همکاری آن با حکومت برمی‌گردد. ترکیب این عوامل باعث می‌شود که موانع بسیار محدود در تحلیل سیاست‌گذاری‌ها، ایدئولوگ‌ها و سرمایه‌گذاران (پیشکسوت‌ها) در عرصه بازار ایده‌ها و مشارکت در فرایند تصمیم‌سازی ایجاد

1. Paul Dickson.

شود؛ بنابراین، در بخش اعظم قرن بیستم اتاق‌های فکر مستقل در مورد سیاست‌گذاری‌های عمومی وجود داشته است.

در سال‌های اخیر، گسترش واقعی در حوزه اتاق‌های فکر در جهان به وجود آمده است. این روند از دهه هشتاد قرن بیستم آغاز گردیده و عواملی هم‌چون فشار جهانی شدن، پایان جنگ سرد و ظهور مسائل فراملی به این موضوع دامن زده است. تأثیرات جهانی شدن بر جریان اتاق‌های فکر به صورت برجسته در منطقه آفریقا، اروپای شرقی، آسیای مرکزی و بخش‌های جنوب شرق آسیا بوده است؛ جایی که تلاش‌های متمرکز جامعه بین‌المللی برای ایجاد سازمان‌های مستقل پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی صورت گرفته است. اکثریت اتاق‌های فکر این مناطق در ده سال اخیر ایجاد شده‌اند. رشد سازمان‌های پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی طی دو دهه گذشته حالت انفجاری داشته است و در حدود ۴۵۰۰ نهاد^۱ از این نوع در جهان وجود دارد. برخی از اتاق‌های فکر در ایالات متحده وجود دارند که به صدور دانشمندان، برندها، تحلیل سیاست‌گذاری و ساختارهای نهادی به سایر کشورهای جهان مبادرت می‌ورزند. تنها در کمیت این نهادها افزون نشده است؛ بلکه از لحاظ حوزه کاری و تأثیرگذاری در آن‌ها نیز تغییرات ژرف رونما شده است.

اتاق‌های فکر هرچند که در درون نظام‌های سیاسی متفاوت به سلسله‌ای از فعالیت‌های سیاست‌گذارانه فعال هستند و در نهادهایی فعالیت می‌نمایند که به لحاظ ساختاری متفاوت‌اند؛ اما تمامی این اتاق‌های فکر کارکردهای مشابه از خود بروز می‌دهند که عبارت‌اند از فراهم‌سازی دانش و کارشناسی در مورد فرایند تصمیم‌سازی. برای مثال: این سازمان‌های سیاست‌گذاری در مورد چالش‌های سیاست‌گذاری به پژوهش می‌پردازند، برنامه‌های حکومت را مورد ارزیابی قرار می‌دهند، در باب نگرانی‌ها به ارائه راه‌کار می‌پردازند و میان بازیگران متفاوت در عرصه سیاست‌گذاری هماهنگی ایجاد می‌نمایند و برخی فعالیت‌های محدود دیگر نیز دارند.

۲. [انواع اتاق‌های فکر]

سازمان‌های سیاست‌گذاری عمومی انواع مختلف دارد و تقریباً تمامی انواع آن در ایالات متحده وجود دارد. در بقیه جهان اتاق‌های فکر با محدودیت بیش‌تر روبه‌رو هستند و شامل سه دسته اصلی هستند؛ وابسته به حکومت (بخشی از ساختار حکومت)، وابسته به دانشگاه‌ها (مراکز

۱. آمار جدید بیش از ۸۰۰۰ نهاد را نشان می‌دهد.

پژوهشی سیاست‌گذاری در دانشگاه‌ها) و وابسته به احزاب سیاسی (به‌صورت رسمی به احزاب پیوستگی دارند، جدول ۱-۱ را نگاه کنید). علاوه بر این‌ها، برخی از اتاق‌های فکر وجود دارند که به لحاظ عملکردی و حمایتی از ناحیه حکومت و گروه‌های ذی‌نفع و کمک‌کننده، وابستگی ندارند و این‌ها هم می‌توانند به لحاظ طبقه‌بندی در رده‌های بلند قرار داشته باشند. (McGann, 2013) و نوع نگاه‌ها به ظهور اتاق‌های فکر همیشه در قالب ایجاد نهادهای سیاسی [همسو] نبوده است؛ بلکه آن‌ها می‌توانند رویکرد انتقادی در قبال سیاست‌های حکومت‌های ملی و سازمان‌های بین‌المللی داشته باشند و آن‌ها گاهی با زبان مخالفت صحبت می‌نمایند، آن‌ها اطلاعاتی را فراهم می‌کنند که ماهیت غیر حکومتی و تجاری دارند. با توجه به زمینه‌های کاری اتاق‌های فکر، استقلال مالی، قانونی و فکری، آن‌ها وابسته به نوع نظام سیاسی هستند که در درون آن به فعالیت می‌پردازند. صرف‌نظر از ساختار و میزان خودمختاری اتاق‌های فکر، آن‌ها بخش دایمی از دورنمای سیاسی و مجموعه درونی فرایند تصمیم‌سازی در برخی از کشورها هستند. مهم‌ترین دلیل رشد پایدار اتاق‌های فکر و پژوهش‌های سیاست‌گذاری مشابه و نهادهای مشورتی با توجه به این مسئله قابل فهم است که این نهادها قابلیت‌هایی دارند که بروکراسی‌های حکومتی یا قادر به انجام آن نیستند و یا با هزینه گزاف آن را انجام می‌دهند. این‌ها قادر به انجام کارهای با کیفیت بهتر هستند. اتاق‌های فکر برای سیاست‌گذاری مسائلی که ماهیت جهانی و فرامرزی دارند، مناسب‌تر هستند؛ زیرا آن‌ها قادرند که میان بازیگران دولتی و غیر دولتی بر سر مسائل بین‌المللی اجماع نظر ایجاد نمایند. علاوه بر آن، اتاق‌های فکر قادرند که زمینه‌های همکاری میان پژوهشگران مختلف را تسهیل بخشند و متصدیان امور را در زمینه فرایند سیاست‌گذاری با اطلاعات موجود همکاری نمایند. اتاق‌های فکر می‌توانند به‌صورت مؤثر خلاصه‌سازی و بازدهی فرایند سیاست‌گذاری را از آغاز کار تا ایجاد یک پالیسی به حداکثر برسانند.

بروکراسی‌های حکومتی در برخی زمینه‌ها پیشرفت‌هایی داشته‌اند؛ مانند حفظ وضع موجود که با لایه‌های متعدد بروکراسی، معیارها، تجویز طرز‌العمل‌ها احاطه شده است و با تخصصی‌سازی به بخش‌های مختلف تقسیم شده است. در مقابل، اتاق‌های فکر پیش‌تر به آینده‌نگری تمایل دارند و در تلاش برای نگرش کلی و رویکردهای میان‌رشته‌ای نسبت به موضوعات سیاست‌گذاری هستند.

جدول (۱-۱) گونه‌شناسی برای خودگردانی و وابستگی اتاق‌های فکر سیاست‌گذاری عمومی

سازمان	سال تأسیس	گونه سازمانی
بنیاد کنراد آدنauer (آلمان)	۱۹۶۴	حزب سیاسی
بنیاد جورجس (فرانسه)	۱۹۹۰	حزب سیاسی
انستیتوت پالیسی توسعه (آمریکا)	۱۹۹۸	حزب سیاسی
انستیتوت توسعه چین (جمهوری خلق چین)	۱۹۸۹	حکومت
انستیتوت مطالعات سیاسی و بین‌المللی (ایران)	۱۹۸۴	حکومت
خدمات پژوهشی کنگره (آمریکا)	۱۹۱۴	حکومت
انستیتوت مطالعات راهبردی و بین‌المللی (مالیزیا)	۱۹۸۳	شبه‌حکومتی
انستیتوت توسعه کوریا (کوریای جنوبی)	۱۹۷۱	شبه‌حکومتی
مرکز بین‌المللی دانشمندان وودرو (آمریکا)	۱۹۶۸	شبه‌حکومتی
انستیتوت امور بین‌المللی پاکستان (پاکستان)	۱۹۴۷	مستقل / خودگردان
انستیتوت مطالعات امنیت (آفریقای جنوبی)	۱۹۹۰	مستقل / خودگردان
انستیتوت اقتصاد بین‌المللی (آمریکا)	۱۹۸۱	مستقل / خودگردان
انستیتوت اتحادیه تجار اروپایی (بلجیم)	۱۹۷۸	شبه‌مستقل
انستیتوت پژوهشی ان ال آی (جاپان)	۱۹۸۸	شبه‌مستقل
مرکز معلومات دفاعی (آمریکا)	۱۹۹۰	شبه‌مستقل
انستیتوت سیاست خارجی، دانشگاه هستب (ترکیه)	۱۹۷۴	وابسته به دانشگاه
انستیتوت روابط بین‌المللی (برزیل)	۱۹۷۹	وابسته به دانشگاه
انستیتوت هوور در مورد صلح، انقلاب و جنگ، دانشگاه استنفورد (آمریکا)	۱۹۱۹	وابسته به دانشگاه

۳. [قدرت‌های نو ظهور و اتاق‌های فکر]

اتاق‌های فکر نقش‌های کلیدی را در فرایند تصمیم‌سازی بازی می‌کنند و در میان ملت‌هایی که ما آن‌ها را قدرت‌های در حال ظهور می‌پنداریم، به اهمیت خود افزوده‌اند. قدرت‌های در حال ظهور اصطلاحی است که برای شناساندن خیزش نفوذ و اقتصاد ملت‌هایی به کار می‌رود که به صورت روزافزون حضور آن‌ها در امور جهانی افزایش می‌یابد. ظهور این قدرت‌های جدید

در سطح جهانی چالش‌های مهمی را برای رویکردهای سنتی روابط بین‌الملل، اقتصاد سیاسی بین‌الملل، چندجانبه‌گرایی و امنیت مجموعه‌ای از کشورهایی که برای رهبری جهانی به رقابت پرداخته‌اند، خلق نموده است. در سطح جهانی قدرت‌های در حال ظهور مجبور هستند که میزان قدرت خود را در مقایسه با متحدان جدید و قدیم و دشمنان خود ارزیابی مجدد نمایند. این تغییرات باعث پیچیدگی و سیالیت روابط بین‌الملل می‌شود. تجربیات تاریخی نشان داده است که تغییر در قطب‌های قدرت و ظهور تک‌قدرت یا جهان چند قطبی که این قدرت‌ها بتوانند نفوذ خود را در سطح منطقه‌ای و جهانی اعمال نمایند، دربردارندهٔ منازعه در درون خود است. خیزش چین، هندوستان، برزیل، ترکیه، ایران، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی و نیجریه و برخی کشورهای محدود دیگر در امور منطقه‌ای و جهانی تأثیر عمیق گذاشته است.

پژوهشگرانی مانند «رافائل کاپلینسکی»^۱ و «دیرک میسنر»^۲ بر این هستند که امروزه نظم یا بی‌نظمی جهانی نتیجهٔ یک تغییر تکنیک (بسیار عمیق) در اقتصاد جهانی و نهادهای حکومت‌داری است.^۳ ظهور اقتصادهایی مانند چین و هند همراه دیگر اقتصادهای نوظهور مانند برزیل، روسیه و آفریقای جنوبی پس از بیداری آن‌ها باعث تغییر موازنهٔ قوا در عرصهٔ اقتصادی و سیاسی شده است. کشورهای «بریکس»^۴ مانند برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی مجموعه‌ای از ملت‌هایی هستند که به قدرت‌های در حال ظهور معروف‌اند که به‌تنهایی ۴۰ درصد جمعیت جهان، ۲۰ درصد تولید ناخالص داخلی^۵ جهان و ۱۸ درصد اقتصاد جهان متعلق به این کشورها هست. کشورهای بریکس چهار اقتصاد از میان ده اقتصاد برتر جهانی را به خود اختصاص داده‌اند و این پنج کشور دارای این توانایی هستند که منظومه‌ای از نهادها را در سطح جهانی به کار بیندازند که باعث ایجاد یا شکست در گفت‌وگوهای بین‌المللی شوند.^۶ این امر بسیار مهم به نظر می‌رسد که در مورد معنای قدرت‌های در حال ظهور و حتی در مورد خود معنای قدرت رویکرد عام داشته باشیم. به‌طور طبیعی، در قدرت ابعاد اقتصادی و نظامی وجود

1. Raphael Kaplinsky.

2. Dirk Messner.

3. Raphael Kaplinsky and Dirk Messner, "Introduction: The Impact of Asian Drivers on the Developing World," *World Development* 36, no. 2 (2008): 199.

4. BRICS (Brazil, Russia, India, China and South Africa).

5. GDP (Gross Domestic Product).

6. Yana Marull, "BRICS to Launch Bank, Tighten Latin America Ties," *Yahoo! News*. July 11, 2014. Accessed December 4, 2014.

دارد. در اصطلاح نظامی قدرت، به گونه‌ی مثال، مصارف نظامی چین از ۳۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰، به ۱۲۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است و برخی تخمین‌ها بر این است حتی به ۱۶۰ میلیارد دلار رسیده است.^۱ با در نظر داشت بحران مالی، سایر قدرت‌های نوظهور مانند ترکیه، برزیل و آفریقای جنوبی شاهد افزایش هزینه‌های نظامی خود نبوده است؛ هرچند که روسیه بودجه نظامی خود را افزایش داده است؛ چنان‌که هزینه آن در سال ۲۰۰۰ به ۳,۶ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسید؛ در حالی که در سال ۲۰۱۰ مصارف آن به ۳,۹ درصد افزایش یافته بود و حتی در سال ۲۰۱۳ هزینه‌های نظامی آن کشور به بیش‌تر از ۴,۲ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور رسیده بود.^۲ در درازمدت، در صورتی‌که قدرت‌های در حال ظهور به این وضعیت خود باقی بمانند، شاهد افزایش هزینه‌های نظامی آن‌ها خواهیم بود. در این‌جا به تبیین رشد اقتصادی قدرت‌های در حال ظهور نمی‌پردازیم. در حالی که این موضوع طی یک دهه گذشته توسط ژورنال‌ها، تصمیم‌سازان و تیرهای خیری بی‌شمار مورد تمجید، تقبیح و تحلیل قرار گرفته است، ما این موضوع را در فصول بعدی^۳ مورد مطالعه قرار خواهیم داد. قدرت نظامی و اقتصادی عناصر سنتی قدرت (قدرت سخت) ملت‌ها را تشکیل می‌دهند که به صورت تهدید و کاربرد سرکوب برای نفوذ بر رفتار و منافع سایر موجودیت‌های سیاسی به کار برده می‌شود.^۴ قدرت نرم در مقابل بیش‌تر اغواکننده است. قدرت متضمن سرمایه اجتماعی و فرهنگی یک ملت است که قابلیت جلب توجه و به همکاری پذیرفتن منافع سایر ملت‌ها را دارد.^۵ کشورهای توسعه‌یافته در شمال و ملل غربی از مزایای قدرت نرم بهره‌مند هستند؛ برای مثال: آن‌ها از خود علامت‌ها و بازارهای فروش رسانه‌ای خلق کرده‌اند؛ اما کشورهایی مانند چین و روسیه در حال برجسته‌سازی ابداعات و ابتکارات خود هستند که در منطقه آسیای مرکزی و زیر صحرای آفریقا جلوه یافته است و این مناطق توسط سایر قدرت‌های جهان نیز مورد توجه قرار دارند.^۶ در عصر جدید، قدرت‌های نوظهور باید جنبه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری قدرت خود را گسترش دهند تا

1. "The Dragon's New Teeth," *The Economist*, April 7, 2012. Accessed December 5, 2014.

2. "Military Expenditure (% of GDP)," *The World Bank*, January 1, 2014. Accessed December 5, 2014.

۳ قبلاً گفته شد که این مطلب بخشی از کتاب «اتاق‌های فکر، سیاست خارجی و قدرت‌های نوظهور» است.

4. Daryl Copeland, "Hard Power vs. Soft Power," February 2, 2010. Accessed December 5, 2014.

5. Joseph Nye, "Propaganda Isn't the Way: soft power," *Belfer Center- Harvard*. January 10, 2003. Accessed December 5, 2014.

6. "China's Soft Power in Africa," In *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States*, edited by Carola McGiffert, by Jennifer Cooke. Washington, D.C.: CSIS (Center for Strategic & International Studies), 2009.

بتوانند با نظم حاکم و روابط بین‌الملل به رقابت پرداخته و سیاست خارجی قوی و مؤثر روی دست بگیرند. اهمیت توسعه و رشد اتاق‌های فکر در قدرت‌های در حال ظهور قابل‌بازشناسی نیست و اغلب در کشورهای در حال گذار اطلاعات اساسی که لازمه تصمیم‌سازی است، وجود ندارد و باید این اطلاعات جمع‌آوری، ترجمه و تحلیل شود تا مورد استفاده نمایندگان مردم و بروکرات‌های کشور قرار گیرد. اتاق‌های فکر می‌توانند خدماتی را فراهم کنند که به لحاظ کاربردی غیر قابل‌انکار هستند که این خدمات می‌توانند در انتقال و بازتاب بهتر سیاست خارجی در جهان متحول اهمیت به‌سزایی داشته باشند. در این مورد که در دهه گذشته در نظام بین‌الملل و موازنه و ماهیت قدرت تحولات ژرف رونما شده است، شکی وجود ندارد. از چندقطبی به درون‌قطبی^۱ و بدون قطب^۲، از پسا‌هژمونی^۳ به پسا‌آمریکایی^۴ به جهانی که در آن هیچ نظام سیاسی و اقتصادی نقش غالب ندارد^۵، عدم قطعیت نظم جدید جهانی و پویایی که توسط ادبیات علمی و جستارهای سیاست‌گذارانه به وجود آمده است، امروزه قابل مشاهده است.

۴. [گروه بیست و اتاق‌های فکر]

تحول متزلزل که طی ۵-۱۰ سال گذشته در عرصه نظم سیاسی و اقتصادی جهان رخ داده است، به وسیله ظهور گروه بیست (G20) که رهبری‌کننده مسائل اقتصادی جهان است، قابل‌بازشناسی است. خیزش قدرت‌های جدید قبلاً به این موضوع دامن زده بود که روابط بین‌الملل و نقش گروه بیست در نهادهای چندجانبه بازاریابی شود. به‌طور جمعی، گروه بیست، دوسوم جمعیت جهان و بیش از ۸۵٪ تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. گروه بیست تنها نشست بین‌المللی است که در آن اکثریت کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه به‌صورت برابر با همدیگر روی موضوعات مهم اقتصاد جهانی به گفت‌وگو می‌پردازند.

1. Giovanni Grevi, "The Inter polar World: A New Scenario," Occasional Paper 79 (June 26, 2009), European Union Institute for Security Studies.
2. Richard N. Hass, "The Age of Nonpolarity," *Foreign Affairs*, 2008: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2008-05-03/age-nonpolarity>.
3. Thomas P.M. Barnett, "The New Rules: Globalization in a post-Hegemonic World," *World Politics Review*, April 16, 2012, <http://www.worldpoliticsreview.com/articles/11845/the-new-rules-globalization-in-a-post-hegemonic-world>.
4. Fareed Zakaria, *The Post American World*, New York: w.w. Norton, 2009.
5. Charles A. Kupchan, *No One's World: The West, the Rising Rest, and The Coming Global Turn*, Oxford University Press, 2012.

تداوم بحران اقتصادی و سایر چالش‌های جهانی می‌تواند اهمیت بر دوش کشیدن بارها به‌صورت مشترک و جست‌وجو برای یافتن راه‌حل چالش‌های جهانی را به نمایش بگذارد. گروه بیست می‌تواند میان جهان توسعه‌یافته و جهان در حال توسعه اتحاد بیش‌تر ایجاد نماید. فعالیت‌های جدید اتاق‌های فکر موضوعاتی را برای سیاست‌گذاری گروه بیست که شامل رشد اقتصادی، تجارت، ایجاد فرصت‌های شغلی، مجموعه‌ای از موضوعات سیاسی و امنیتی می‌شود، خلق نموده است. اتاق‌های فکر سیاست خارجی گروه بیست به‌صورت بی‌سابقه تحلیل‌ها، مشورت‌ها و راهنمایی‌های ضروری را جهت وفق دادن نقش و مسئولیت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای این کشورها ایجاد نموده است. این موضوع بیش‌تر زمانی مصداق پیدا می‌کند که بحث در مورد قدرت‌های در حال ظهور است؛ زیرا این کشورها به‌صورت تدریجی نقش‌های مهم‌تری را در نظام بین‌الملل بازی می‌نمایند. هرچند در عین زمان، فقدان فرهنگ اتاق‌های فکر در برخی کشورها چالش‌های اساسی را برای بازیگرانی خلق نموده است که باید در فرایند تصمیم‌سازی و مشورت‌دهی به سیاست‌گذاری نقش بیش‌تری به عهده بگیرند. اتاق‌های فکر و برنامه‌های جوامع مدنی در دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا و بنیاد ژتولیو وارگاس^۱ در برزیل توافق نمودند که به‌صورت مشترک کنفرانس‌هایی را تمويل نمایند که اتاق‌های فکر پیش‌تاز در عرصه امنیت و مسائل جهانی را گرد هم آورند تا چالش‌هایی را که بر سر راه اتاق‌های فکر سیاست خارجی گروه بیست در جهان متحول ایجاد می‌شود، تبیین نمایند.

بنیاد اندیشه

۵. [سیاست خارجی و اتاق‌های فکر]

برای دهه‌ها، پژوهشگران در تلاش‌اند که نقش اتاق‌های فکر را در فرایند سیاست خارجی تعریف نمایند. والس^۲ بر این است که تصمیم‌سازان، نیازمند مشاوران در امر بازانديشي مفروضات غالب سیاست‌گذاری هستند. اتاق‌های فکر تهیه‌کننده بازانديشي و تولیدکننده ایده‌های نوآورانه هستند. اطلاعاتی که توسط «جیمز مکگان» جمع‌آوری و تحلیل شده است، تقویت‌کننده شواهد این نظریه است که اتاق‌های فکر شمه‌ای از حوادث و انقلابات گذشته‌ای است که در محیط داخلی و بین‌المللی مانند جنگ‌ها و بحران‌های اقتصادی رخ داده است. برخی دیگر، اتاق‌های

1. FundacaoGetulio Vargas.

2. William Wallace, "Between Two World: Think Tanks and Foreign Policy," Two World of International Relations: Academics, Practitioners, and the Trade in Ideas, London, Routledge : 1994.

فکر را به‌مثابه پل میان محیط علمی و فرایند تصمیم‌سازی می‌دانند که پژوهش‌های علمی مواد خوش‌ذائقه برای سیاست‌مداران و متصدیان امور فراهم می‌کنند.^۱ هاس^۲ و مگگان نقش اتاق‌های فکر را در سیاست خارجی و تحول آن را طی بیست سال گذشته تبیین می‌نمایند. هسته مفهوم‌سازی از اتاق‌های فکر این است که دانشوران و کارشناسان علاوه بر تهیه دانش جدید، تحلیل خط‌مشی‌ها را نیز به عهده دارند. در هر دو صورت، چه در ایجاد یا در ترجمه و انتقال دانش، اتاق‌های فکر تهیه‌کننده اولویت‌های سیاست‌گذاری‌ها هستند و آن‌ها نقش مهمی را در طراحی خط‌مشی‌ها بازی می‌نمایند. هرچند که تعریف و تبیین دقیق اتاق‌های فکر وجود ندارد؛ اما از ادبیات جاری می‌توان در مورد اتاق‌های فکر دو نتیجه کلیدی گرفت:

الف. اتاق‌های فکر در فرایند تصمیم‌سازی نقش بازی می‌نمایند که ممکن است این نقش کوچک یا بزرگ باشد یا این‌که نقش ترتیب‌کننده برنامه‌های اولیتی، مشروعیت‌دهنده فرایند و یا فرمولی‌اسیون خط‌مشی باشد.

ب. نقش اتاق‌های فکر به‌صورت خاص به تغییرات و یا دگردیسی‌هایی که مقتضی پیچیدگی‌های خط‌مشی است، برمی‌گردد. امروزه، دگردیسی‌های جاری در محیط بین‌الملل به یک مرحله حاد تحول رسیده است که میان قدرت‌های در حال ظهور و نظم موجود پیچیدگی روزافزون ایجاد نموده است.

نتیجه نشست اتاق‌های فکر سیاست خارجی گروه بیست در ۲۰۱۲، یک پروژه تحت نام اتاق‌های فکر و چالش‌های سیاست خارجی قدرت‌های در حال ظهور بود. بررسی گسترده کشورها و مطالعه موردی نشان می‌دهد که اتاق‌های فکر چگونه می‌توانند در همکاری با حکومت‌های مربوطه‌شان قادر به پاسخ‌گویی در برابر چالش‌ها و پویایی‌های روزافزون در جهان چندقطبی هستند. مطالعات موردی اتاق‌های فکر کشورهای که در زمره قدرت‌های در حال ظهور تلقی می‌شوند مانند آرژانتین، برزیل، چین، هندوستان، مکزیک، نیجریه، قطر، سنگاپور، آفریقای جنوبی، کوریای جنوبی و ویتنام را تحت پوشش قرار داده است. مطالعات موردی مشخص‌کننده و تفسیرکننده چالش‌های خاص سیاست خارجی هستند که قدرت‌های در حال ظهور با آن روبه‌رویند و به همین ترتیب، راهبردها و برنامه‌هایی تهیه شده است تا به‌صورت مؤثر

1. Richard N. Haas, "Think Tanks and U.S. Foreign Policy: A Policy-Maker's Perspective," U.S. Department of State: Policy Planning Staff, News release, 2002.

2. Haas.

در موضوعات خط‌مشی‌ها کاربرد داشته باشند. در مقدمه و نتیجه‌گیری مکگان و لازارو ادبیات رو به رشد اتاق‌های فکر را با متون سیاست خارجی قدرت‌های در حال ظهور در درون تحول قدرت و پویایی‌های جدید در امور بین‌الملل ترکیب نموده است. در نتیجه‌گیری این موضوع را مشخص نموده است که دوازده اتاق فکر برتر کدام‌اند و این‌که چگونه از این اتاق‌های فکر سایر قدرت‌های در حال ظهور نیز می‌توانند استفاده نمایند. علاوه بر این، روشن‌کننده سیاست‌ها و راهبردهای قدرت‌های در حال ظهور در قبال سایر موجودیت‌های سیاسی در جهان چندقطبی است. نتیجه این مطالعه از یک منطقه تا منطقه دیگر متفاوت بوده است و تأثیرگذاری تحولاتی که در گذشته مشخص شده است، از یک ناحیه تا ناحیه دیگر نیز متفاوت بوده است. برای این‌که بیش‌تر بتوانیم ادعای خود را مستدل ثابت نماییم، ناگزیر هستیم که آثار پژوهش‌های فردی که توسط اتاق‌های فکر که طی مطالعات موردی در نواحی مختلف جهان گسترش یافته است را در نظر بگیریم که این مناطق شامل زیر صحرای آفریقا، آسیا، آمریکا شمالی، اروپای غربی، اروپای شرقی و آمریکای لاتین می‌شوند. ما روندهای مشابهی را در الگوها، گزارش‌های سالانه، کنفرانس‌ها و نشریه‌ها با اهدافی که در قضایای موردی تعریف شده بود، یافتیم که در حقیقت کمک‌کننده تحلیل‌های اولیه ما هستند. گزینش مطالعات موردی بر ساخته تبیین‌کننده این امر است که چگونه و چه وقت این گذار اتفاق افتاده است و چگونه این نهادها تأثیر می‌گذارند. این مطالعات موردی از (TTCSP) پایگاه داده‌های ۷۰۰۰ اتاق فکر در سطح جهانی گرفته شده است. امنیت و مسائل جهانی (SIA) در تمامی ۷۰۰۰ اتاق‌های فکر مورد تحلیل قرار گرفته است. مطالعات موردی اتاق‌های فکر بر اساس اهداف واضح و برنامه‌های متمرکز در پژوهش SIA، تاریخ تأسیس آن‌ها از دوران جنگ سرد و پارامترهای طولی گزینش شده است. علاوه بر آن، تلاش‌های دقیق صورت گرفته است تا یک تعداد از اتاق‌های فکر را در سطح جهانی به‌عنوان نماینده تمامی اتاق‌های فکر گزینش نماید.

مطالعات موردی بر این بوده‌اند تا ماهیت و تأثیرات روندهای جهانی مانند پیشرفت‌های بی‌پایان فناوری (تکنولوژی)، شبکه‌های رسانه‌ای و اجتماعی، جهانی‌شدن و وابستگی متقابل جهانی میان اتاق‌های فکر و مطالعات امنیتی، تشریح و تبیین شوند. در نتیجه‌گیری این مطالعه، آینده مطالعات SIA را ارزیابی نموده است که حوادث امنیتی اخیر خاورمیانه و اروپا نشانگر بازگشت و تمرکز به امنیت سنتی است. هدف این پروژه آماده‌سازی یک نگاه جامع نسبت به موفقیت تدوین سیاست خارجی و نقش اتاق‌های فکر در درون قدرت‌های در حال ظهور است.

مطالعات موردی (چهارده مورد) تبیین‌کننده این موضوع است که چگونه قدرت‌های در حال ظهور و اتاق‌های فکر SIA با چالش‌های سیاست خارجی برخورد می‌نمایند و در آینده نوعیت تعامل‌شان چگونه خواهد بود. چشم‌اندازهای روش‌شناختی برای سایر اتاق‌های فکر در شرایط سیاسی و اقتصادی مشابه، کاربرد خواهند داشت. اگر موضوع را خلاصه نماییم، می‌توانیم بگوییم که این کتاب مشخص می‌نماید که چگونه اتاق‌های فکر در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی مختلف، کشورهای مربوط خود را یاری می‌رسانند که چالش‌های جهان قطبی را بازشناسی نمایند و به آن‌ها پاسخ بگویند. جیمز مکگان از دانشگاه پنسیلوانیا، تفسیرکننده و جزئیات‌دهنده ادبیات دفاعی و امنیتی و اتاق‌های فکر سیاست خارجی و امور بین‌الملل و این‌که چگونه آن‌ها (اتاق‌های فکر) در شکل‌دهی سیاست خارجی و دفاعی نقش بازی می‌نمایند، اطلاعاتی را فراهم نموده است. «بروس جونز»^۱ از انستیتوت بروکینگز، مروری بر ماهیت متحول و متون سیاست بین‌الملل داشته است و نقش قدرت‌های در حال ظهور را در این تحولات مورد بررسی قرار داده است. هر فصل ارائه‌کننده یک قضیه (مورد) با یک مقدمه کوتاه و یک نتیجه‌گیری است و برخی مطالعات موردی توسط آن عده کسانی نگاشته شده است که خود در این سازمان‌ها مشارکت داشته‌اند. این کتاب^۲ با ارائه مشاهدات فراگیر و پیشنهادات برای مطالعات آینده خاتمه می‌یابد.

1. Bruce Jones.

۲. اشاره به کتاب «اتاق‌های فکر، سیاست خارجی و قدرت‌های نو ظهور» دارد.

1. John L. Campbell and Ove K. Pederson, "Chapter 1: Knowledge Regimes and the National Origins of Policy Ideas, January 2013, 6.
2. James G. McGann, ed., Think Tank and Civil Society Program. Global Go To Think Tank Index 2013. University of Pennsylvania, 2013.
3. Raphael Kaplinsky and Dirk Messner, "Introduction: The Impact of Asian Drivers on the Developing World," *World Development* 36, no. 2 (2008): 199.
4. Yana Marull, "BRICS to Launch Bank, Tighten Latin America Ties," *Yahoo! News*. July 11, 2014. Accessed December 4, 2014.
5. "The Dragon's New Teeth," *The Economist*, April 7, 2012. Accessed December 5, 2014.
6. "Military Expenditure (% of GDP)," *The World Bank*, January 1, 2014. Accessed December 5, 2014.
7. Daryl Copeland, "Hard Power vs. Soft Power," February 2, 2010. Accessed December 5, 2014.
8. Joseph Nye, "Propaganda Isn't the Way: soft power," *Belfer Center- Harvard*. January 10, 2003. Accessed December 5, 2014.
9. "China's Soft Power in Africa," In *Chinese Soft Power and Its Implications for the United States*, edited by Carola McGiffert, by Jennifer Cooke. Washington, D.C.: CSIS (Center for Strategic & International Studies), 2009.
10. Giovanni Grevi, "The Inter polar World: A New Scenario," *Occasional Paper 79* (June 26, 2009), *European Union Institute for Security Studies*.
11. Richard N. Hass, "The Age of Nonpolarity," *Foreign Affairs*, 2008: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2008-05-03/age-nonpolarity>.
12. Thomas P.M, Barnett, "The New Rules: Globalization in a post-Hegemonic World," *World Politics Review*, April 16, 2012, <http://www.worldpoliticsreview.com/articles/11845/the-new-rules-globalization-in-a-post-hegemonic-world>.
13. Fareed Zakaria, *The Post American World*, New York: w.w. Norton, 2009.
14. Charles A. Kupchan, *No One's World: The West, the Rising Rest, and The Coming Global Turn*, Oxford University Press, 2012.
15. William Wallace, "Between Two World: Think Tanks and Foreign Policy," *Two World of International Relations: Academics, Practitioners, and the Trade in Ideas*, London, Routledge: 1994.
16. Richard N. Hass, "Think Tanks and U.S. Foreign Policy: A Policy-Maker's Perspective," *U.S. Department of State: Policy Planning Staff*, News release, 2002.

